

یادداشت

چرا قدرت‌های نوظهور کمتر ظهور می‌کنند؟

موانع صعود و جایگاه قدرت‌ها

در نظم آینده



محسن شریف خدائی

تحلیلگر روابط بین‌الملل

در قرون گذشته، ظهور قدرت‌های بزرگ همواره با جهش‌های فناوریانه، انفجار جمعیتی و بسج منابع همراه بوده است. بریتانیا با انقلاب صنعتی، ایالات متحده با نوآوری، اقتصاد مصرف‌محور و قدرت نظامی و چین با رشد تولید و صادرات، نمونه‌هایی از قدرت‌های در حال صعود بودند که توانستند عرصه جهانی را دگرگون کنند. اما در سال‌های اخیر، روند ظهور قدرت‌های نوظهور کاهش یافته و آهنگ آن کند شده است. گزارش‌های اخیر از صندوق بین‌المللی پول، مجمع جهانی اقتصاد و اندیشکده‌های راهبردی نشان می‌دهد رشد اقتصاد جهانی در حال کاهش است. با وجود برخورداری کشورهای پیشرفته از زیرساخت‌های مدرن و نیروی کار تحصیل‌کرده، رشد بهره‌وری آنها در دهه‌های اخیر به‌شدت کاهش یافته و در مواردی به نزدیک به صفر رسیده است. این رکود ناشی از اشباع فناوری‌های تحول‌آفرین، پیری جمعیت و کاهش پویایی نیروی کار، رشد بخش‌های کم‌بازده مانند خدمات عمومی، افت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های تولیدی و کاهش رقابت در بازارهای انحصاری است. در نتیجه، نوآوری کند و ظرفیت تولید محدود شده و رشد اقتصادی این کشورها با وجود ظاهر توسعه‌یافته‌شان، در مسیر نزولی قرار گرفته است؛ پدیده‌ای که بر چشم‌انداز صعود قدرت‌های نوظهور نیز سایه افکنده است. فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و رباتش کوانتومی، اگرچه تحول‌آفرین هستند، اما هنوز نتوانسته‌اند مانند انقلاب صنعتی، ساختار زندگی و تولید را به طور بنیادین دگرگون کنند. رشد بهره‌وری در اقتصادهای پیشرفته به پایین‌ترین سطح در نیم‌قرن اخیر رسیده و نوآوری‌های جدید نیازمند زمان طولانی برای بازدهی هستند. در همین حال، جمعیت بسیاری از کشورها در حال کاهش است و نرخ زاد و ولد در بیش از دوسوم جهان زیر سطح جایگزینی قرار دارد. این روند، رشد اقتصادی را محدود می‌کند و هزینه‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد. در این چشم‌انداز، کشورهایی مانند چین، هند، برزیل، آفریقای جنوبی، اروپا و برخی دیگر به عنوان بازیگران کلیدی نظم آینده مورد توجه قرار گرفته‌اند، چین، با وجود آنکه دومین اقتصاد جهان بوده و در تولید صنعتی، انرژی‌های نو و زیرساخت‌های فناوریانه پیش‌از است، با بحران بدهی پیری جمعیت و وابستگی به فناوری‌های غربی مواجه است. مدل رشد چین بر پایه سرمایه‌گذاری سنگین و بازدهی پایین بنا شده و در بسیاری از صنایع، از جمله خودروهای برقی و انرژی خورشیدی، با مازاد تولید و زیان‌دهی مواجه است. همچنین، وابستگی چین به واردات تراشه‌های پیشرفته و فناوری‌های هوش مصنوعی از آمریکا و متحدانش، آسیب‌پذیری راهبردی این کشور را افزایش داده است. هند، با جمعیت جوان، بازار بزرگ و رشد اقتصادی بالا، یکی از معهود کشورهای است که ظرفیت صعود دارد، بااین حال، کمبود سرمایه انسانی، مهاجرت نخبگان، ضعف زیرساخت‌ها و تمرکز محدود خدمات، موانعی جدی هستند. بیش از ۸۰ درصد نیروی کار هند در بخش غیررسمی فعالیت می‌کنند و ۹۰ درصد جوانان فاقد مهارت‌های پایه و علمی هستند. هند با اصلاحات ساختاری می‌تواند به قدرت منطقه‌ای و شاید جهانی تبدیل شود، اما مسیر آن دشوار و پرچالش خواهد بود. برزیل، به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد آمریکای جنوبی، در دهه‌های اخیر تلاش کرده است از یک قدرت منطقه‌ای، به بازیگری جهانی تبدیل شود. عضویت در گروه‌های ج۲۰ و بریکس، نقش فعال در مسائل اقلیمی و تلاش برای اصلاح نهادهای بین‌المللی از جمله اقدامات راهبردی این کشور بوده‌اند. برزیل در حوزه‌هایی مانند کشاورزی، انرژی‌های تجدیدپذیر و دیپلماسی اقلیمی، ظرفیت بالایی دارد. بااین‌حال، چالش‌هایی مانند نابرابری داخلی، فساد ساختاری و وابستگی به صادرات مواد خام، مانع از تبدیل‌شدن آن به قدرتی جهانی شده‌اند. آفریقای جنوبی، به عنوان پیشرفته‌ترین اقتصاد قاره آفریقا، نقش مهمی در نمایندگی منافع جنوب جهانی ایفا می‌کند. عضویت در بریکس، رهبری در اتحادیه آفریقا و مشارکت در مسائل صلح و امنیت منطقه‌ای، از جمله ابزارهای نفوذ این کشور هستند. بااین‌حال، چالش‌هایی مانند بیکاری گسترده، نابرابری نژادی و اقتصادی و ضعف زیرساخت‌های صنعتی، مانع از تبدیل‌شدن آفریقای جنوبی به قدرتی فراتر از منطقه شده‌اند. با وجود این، این کشور در حوزه دیپلماسی چندجانبه، انرژی سبز و میانجیگری منطقه‌ای، جایگاه درخور توجهی دارد.

اروپا، به‌ویژه کشورهای بازیگری مانند آلمان، فرانسه و بریتانیا، از نظر تاریخی قدرت‌هایی تثبیت‌شده هستند. اما در نظم جهانی جدید، با چالش‌هایی مانند پیری جمعیت، وابستگی انرژی و کاهش رشد اقتصادی مواجه‌اند. اروپا در مقایسه با قدرت‌های نوظهور، اولویت‌هایی متفاوت دارد؛ از جمله تمرکز بر جنگ اوکراین، ادغام اروپایی و روابط با ایالات متحده. بااین‌حال، اروپا همچنان در حوزه‌هایی مانند فناوری، دیپلماسی، حقوق بشر و تنظیم‌گری جهانی پیش‌از است و نقشی کلیدی در تعیین استانداردهای جهانی ایفا می‌کند. در این میان، کشورهای حوزه خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر، در سال‌های اخیر با سرمایه‌گذاری‌های گسترده در فناوری، انرژی‌های نو و پروژه‌های اقتصادی و دیپلماسی چندجانبه تلاش کرده‌اند از نقش سنتی تولیدکننده نفت فراتر رفته و در مسیر تبدیل‌شدن به قدرت‌های میانی نوظهور با نفوذ منطقه‌ای و ظرفیت جهانی قرار گیرند. ایران نیز با وجود تحریم‌های گسترده و محدودیت‌های زیرساختی، تلاش کرده در حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی، امنیت سایبری و فناوری‌های بومی و نظامی پیشرفت کند. سرمایه‌گذاری دولتی، ظرفیت علمی و موقعیت ژئوپلیتیکی، نقاط قوت ایران هستند. طبق گزارش‌های منتشرشده در سال ۲۰۲۵، ایران با اختصاص بودجه ملی به توسعه هوش مصنوعی، رانندازی پلتفرم‌های بومی و پیشنهاد همکاری فناوریانه با کشورهای منطقه، نشان داده به دنبال ایفا نقش در نظم آینده منطقه است. بااین‌حال، چالش‌هایی مانند تحریم‌های همه‌جانبه از سوی آمریکا و غرب، روند مهاجرت نخبگان، محدودیت در دسترسی به فناوری‌های پیشرفته و کنترل دولتی بر اکوسیستم نوآوری، مانع از رشد پایدار ایران در این حوزه شده‌اند. اگر ایران بتواند اصلاحات نهادی، توسعه زیرساختی، تعامل بین‌المللی و دیپلماسی فعال و چندجانبه را براساس منافع ملی در دستور کار قرار دهد، می‌تواند در سطح منطقه‌ای و حتی فراتر نقش آفرینی کند.

در جمع‌بندی می‌توان گفت ظهور قدرت‌های نوظهور در نظم جهانی اتی با موانع ساختاری، فناوریانه، جمعیتی و نهادی مواجه است. برخلاف سده‌های گذشته، دیگر نمی‌توان با صنعتی‌سازی سریع یا فتح سرزمینی به قدرت جهانی تبدیل شد. تنها کشورهایی که بتوانند سرمایه انسانی خود را ارتقا دهند، نوآوری پایدار ایجاد کنند و از شبکه‌های جهانی بهره‌مند شوند، شانس صعود در این رقابت را خواهند داشت. در این میان، چین و هند همچنان بازیگران کلیدی هستن، برزیل و آفریقای جنوبی در حال تثبیت نقش منطقه‌ای خود هستند، اروپا قدرتی تثبیت‌شده با نفوذ نرم باقی خواهد ماند و ایران نیز با اصلاحات ساختاری در داخل و تعامل هوشمندانه و دیپلماسی فعال می‌تواند در نظم آینده جایگاه مؤثری داشته باشد. عصر صعود قدرت‌ها پایان نیافته، اما مسیر آن دشوارتر، پیچیده‌تر و فناوریانه‌تر از همیشه شده است.

مجلس این روزها بیش از آنکه یادآور مرکز نقل قانون‌گذاری باشد، صحنه‌ای از رقابت‌های بی‌امان سیاسی شده است. جریان تندرو که از نخستین روزهای استقرار دولت پزشکیان کوشید ابتکار عمل را در دست گیرد، اکنون میدان تقابل را از دولت به مجلس کشانده است؛ تقابلی که نتیجه‌ای جز دودستگی، کاهش اعتماد عمومی و تضعیف نهادهای رسمی به دنبال نداشته است. در میانه این فضای ملتهب، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس، با نطقی که در ظاهر برای دفاع از منافع ملی و وفاق میان قوا ایراد شد، اما در باطن رنگی از حمله به دولت‌های پیشین داشت، خود را در متن این مناقشه قرار داد و همین امر نقدهای تندى برایش به همراه داشت. او در نطق روز یکشنبه خود ضمن انتقاد صریح از حسن روحانی و محمدجواد ظریف گفت: «مواضع رئیس‌جمهور و وزیر خارجه اسبق ما، دقیقاً در شرایطی که مسیر همکاری‌های راهبردی ما با کشور روسیه در حال پیشرفت است، به این مسیر لطمه زدند». قالیباف حتی دیروز هم در مقام دفاع از خود در برابر نقدهایی که بابت نطق روز یکشنبه خود داشت، گفت: «وفاق به معنی لاپوشانی اشتباهات و ضعف‌ها نیست»، عبارتی که به‌سرعت به تیتُر رسانه‌ها بدل شد، اما در عمل، سخنان او نه‌تنها نشانی از وفاق نداشت، بلکه موجی از واکنش‌های سیاسی را در پی آورد. مخالفان و منتقدانش این موضع را نشانه‌ای از لغزش او به سمت فکتمان تندروها دانستند؛ همان‌هایی که مدت‌هاست با حملات پیاپی به دولت پزشکیان، صحن مجلس را به میدان شعار و تسویه‌حساب جناحی بدل کرده‌اند.

تندروها در نقش چالش‌ساز

مجلس دوازدهم از همان آغاز به فعالیت خود با ترکیبی روبه‌رو است که بخشی درخور توجهی از آن را جریان موسوم به پایداری و چهره‌های نزدیک به آن تشکیل می‌دهد. این طیف که از آغاز با ادعای انقلابی‌گری اما تئوروی به سبک و سیاق همیشگی خود وارد مجلس شد، در ماه‌های اخیر تمام انرژی خود را صرف تخریب دولت و القای ناآرامی آن کرده است، اما در عمل، این رفتار بیش از آنکه دولت را تضعیف کند، به پیگیره مجلس و شخص رئیس آن لطمه زده است. قالیباف در ماه‌های نخست دولت پزشکیان کوشید میان دولت و مجلس نوعی هماهنگی حداقلی ایجاد کند؛ همراهی در رأی اعتماد به کابینه و تأکید بر گفت‌وگو به‌جای تقابل. بخشی از تلاش‌های او برای فاصله‌گرفتن از دوقطبی‌های مخرب بود، اما همان‌گونه که تجربه سیاسی ایران بارها نشان داده، تندروها از هیچ فرصتی برای شکستن پل‌های تعامل نمی‌گذرند. این بار نیز آنان با حمله‌ای بی‌دربی در صحن علنی مجلس و رسانه‌های همسو، مسیر وفاق را به بی‌اعتمادی بدل کردند. در این‌میان قالیباف خود نیز در دام همین بازی جناحی گرفتار شد. نطق اخیر او علیه روحانی و ظریف، درحالی‌که می‌توانست به نقد سیاست خارجی از منظر منافع ملی محدود بماند، به‌سرعت از سوی افکار عمومی به عنوان هوسویی با تندروها تفسیر شد. حتی حامیان میانه‌رو او نیز از این سخنان استقبال نکردند.

حمایت‌ها و انتقاده‌ها

سخنان رئیس مجلس، به‌سرعت در شبکه‌های اجتماعی بازتاب یافت و فضای سیاسی کشور را تحت تأثیر قرار داد. مالک شریعتی‌نیاسر، نماینده تهران، در دفاع از قالیباف نوشت: «مواضع رئیس مجلس گلایه‌ای دقیق، مستدل و محکم بود؛ اصلاح‌طلبان شتاب‌زده واکنش نشان دادند». او مدعی شد که اظهارات روحانی و ظریف برخلاف جهت سیاست خارجی دولت کنونی بوده است. اما در مقابل، واکنش‌ها از دولت و چهره‌های سیاسی مختلف، اغلب حاوی انتقاد بود. سیدمهدی طباطبایی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور، با یادآوری سخنان ۱۰ روز پیش مسعود پزشکیان نوشت: رئیس‌جمهور با ابراز نگرانی از قطب‌بندی‌های کاذب تصریح کرد «من مسائل خارجی را حل می‌کنم، اما نگران اختلافات داخلی هستم». مجاهدات می‌فایده یکی، روز روز اخیر عمق این سخنان را معنا کرد. مردم تندروها را دوست نمی‌دارند، دکتر پزشکیان سمت مردم ایستاده است.

در سوی دیگر، احمد زیدآبادی، روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی، در واکنش به نطق قالیباف پرسید: «چگونه ممکن است صرفاً با یک اظهارنظر، مسیر همکاری راهبردی را روسیه دچار لطمه بشود؟ در هیچ جای دنیا مواضع مقامات سابق کمترین اثری بر روابط دولت‌ها ندارد». او این ادعا را غیرمنطقی و بیشتر سیاسی دانست تا کارشناسی.

سیدعطاءالله مهاجرانی، وزیر فرهنگ دولت اصلاحات، نیز در یادداشتی تند اما کنایه‌آمیز خطاب به دو سوی درگیری سیاسی

حملات رادیکال‌ها به دولت پزشکیان و روحانی، رئیس مجلس را به قلب مناقشه جناحی کشاند

قالیباف و تندروهای هزینه‌ساز



محسن شریف خدائی

نوشته: «کودکان پیرنما! جوانان و میان‌سالان کودک‌مانده! سرانجام‌تان مانند همان کودکانی است که سرِ گردو با هم دعوا می‌کردند و رندی گردو را شکست و مغز آن را برد و خورد. یادتان رفته کشور و ملت در موقعیت نه صلح و نه جنگ است؟». این تعبیر شاعرانه اما تلخ مهاجرانی، تصویری دقیق از وضعیت سیاست در ایران امروز است: نزاعی بی‌پایان بر سر هیچ. هزمنان حسام‌الدین آشنا، مشاور پیشین روحانی، یادآور شد که روحانی «اصلاً در هفته‌های اخیر درباره روسیه اظهارنظری نداشته است» و افزود: «جمع‌بستن چین و روسیه در تحلیل‌های سیاست خارجی، نادرست و غیرکارشناسی است». در جبهه اصلاحات نیز واکنش‌ها ادامه یافت. آذر منصوری، دبیرکل حزب اتحاد ملت، حمله قالیباف و تندروها به روحانی را مصداق «دودکردن سرمایه سیاسی کشور در آتش رقابت‌های بی‌ثمر» دانست و هشدار داد: «اگر مجلس به‌جای نظارت، به صحنه شعار بدل شود، نه‌تنها دولت، بلکه کل نظام تصمیم‌گیری تضعیف می‌شود».

بازتاب در افکار عمومی؛ «تشنه‌ای به پای مجلس»

دراین‌بین آنچه بیش از همه به چشم می‌آید، واکنش افکار عمومی و نخبگان دانشگاهی است. کاربران در شبکه‌های اجتماعی از خود پرسیدند: آیا مجلسی که داعیه وفاق دارد، باید در اوج بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، با بازگشت به مناقشات قدیمی، بار دیگر فضای سیاسی را دوقطبی کند؟ از دید ناظران، قالیباف با این نطق نه‌تنها دولت را زیر فشار نبرد، بلکه ناخواسته موقعیت خود در میان نیروهای میانه‌رو را نیز تضعیف کرد. چهره‌ای که در ماه‌های اخیر کوشیده بود با رفتارهای متوازن خود، فاصله‌ای از رادیکالیسم جریان پایداری بگیرد، اکنون به سبب موضعی احساسی و سیاسی، در آن‌که همان تندروها قرار گرفته است، برخی تحلیلگران نزدیک به اصولگرایان نیز با نگاهی انتقادی ادعان کردند «دوام حملات به دولت پزشکیان» در نهایت به زیان مجلس تمام می‌شود. در فضای عمومی نیز بار دیگر این گزاره تقویت شد که تندروها در هر لباسی که باشند، چه در دولت، چه در مجلس، به بازتولید بحران می‌پردازند، نه حل آن.

قالیباف در مقام دفاع از خود

یک روز پس از نطق پرحاشیه، قالیباف در شبکه اجتماعی ایکس بار دیگر کوشید موضع خود را توضیح دهد و از اتهام جناحی‌بودن فاصله بگیرد. او نوشت: «وفاق یعنی همراهی قوا برای اتخاذ تصمیمات درست اما پرچالش؛ تصمیماتی مانند ورود بانک آینده به فرایند گزیر، نه با پیگیری رسانه‌ای بلکه حاصل اراده جمعی نیروهای تصمیم‌گیر. وفاق به معنی لاپوشانی اشتباهات و ضعف‌ها نیست». او در ادامه تأکید کرد: «امر ملی باید در هر شرایطی بر امر جناحی مقدم شود». اما منتقدان یادآور شدند که سخنان او در مجلس دقیقاً در تضاد با همین شعار بود، زیرا وقتی نام‌بردن از رؤسای جمهور و وزرای سابق به عنوان مقصد در سیاست خارجی کشور، هزمنان با دفاع تمام‌قد از روسیه مطرح می‌شود، نتیجه چیزی جز دواگنگی و ابهام در موضع رسمی مجلس نیست.

دولت در مسیر تعامل، مجلس در حاشیه

درحالی‌که دولت پزشکیان تلاش کرده است در فضای خارجی با «دیپلماسی فعال و متوازن» گرهای روابط منطقه‌ای و بین‌المللی را باز کند، بخشی از مجلس ظاهراً می‌کوشد با دامن‌زدن به حساسیت‌ها و یادآوری پرونده‌های گذشته، دولت

را در موضع تدافعی قرار دهد. با این حال، پزشکیان تاکنون از ورود به جنجال‌های لفظی پرهیز کرده و ترجیح داده در مسیر آرامش و کارآمدی حرکت کند. او در جلسات هیئت دولت و سخنان عمومی خود بارها بر پرهیز از دوقطبی‌سازی تأکید کرده است. از این منظر، رفتار بخشی از مجلس بیش از آنکه نقد دولت باشد، نوعی نبرد نرد جناحی میان اصولگرایان است؛ نبردی بر سر تفسیر «انقلابی‌گری» و سهم از قدرت. در این میدان، قالیباف که خود را مدافع عقلانیت و ثبات می‌دانست، اکنون هدف همان توطئه‌ان‌های شده که روزی برایش آتش تهیه فراهم می‌کرد.

در نگاه نخبگان سیاسی، آنچه امروز در مجلس می‌گذرد، نشانه‌ای از بحران بزرگ‌تر در سیاست ایران است؛ غلبه منطق رقابت جناحی بر عقلانیت نهادی. تندروها با تصور آنکه با حمله به دولت، پایگاه اجتماعی خود را احیا می‌کنند، عملاً موجب فرسایش سرمایه اجتماعی نظام می‌شوند. تجربه دولت‌های پیشین نشان داده است که افراطی‌گری هرگز به سود هیچ جناحی تمام نشده و در نهایت، نهادهای رسمی و اعتماد عمومی قربانی اصلی بوده‌اند. در این‌میان، قالیباف نیز از قاعده مستثنا نیست. او که زمانی می‌کوشید چهره‌ای عمل‌گرا و ملی از خود ارائه دهد، امروز در میانه بازی‌ای قرار گرفته که قواعد آن را تندروها تعیین می‌کنند. حمله به روحانی و ظریف، و در ادامه حملات پی‌درپی به دولت در صحن حتی با نیت بازتعریف وفاق، عملاً به تضعیف تصویر متوازن رئیس مجلس انجامید و فرصتی طلایی برای جریان‌های رادیکال فراهم کرد تا خود را «نمایندگان حقیقی اصولگرایی» معرفی کنند. از سوی دیگر، دوام چنین روندی در صحن مجلس به بی‌اعتباری این نهاد نزد افکار عمومی منجر خواهد شد. هنگامی که مردم شاهدند بخش عمده وقت مجلس صرف جدال‌های سیاسی و لفظی می‌شود، نه تصویب قوانین مؤثر بر زندگی روزمره‌شان، طبیعی است که احساس بی‌اعتمادی و بی‌تفاوتی درباره سیاست را در خود تقویت کنند.

هشدار درباره فرسایش سرمایه اجتماعی

در نهایت، نزاع اخیر نه بر سر روسیه است، نه بر سر روحانی یا ظریف. اصل ماجرا، نوع مواجهه سیاست‌مداران با منافع ملی است. وقتی تندروها می‌کوشند با القای دواگونه‌های کاذب، «انقلابی و غیرانقلابی»، «ضدغرب و غرب‌زده»، فضای تصمیم‌گیری را به میدان رقابت جناحی بدل کنند، نه‌تنها دولت، بلکه کل ساختار سیاسی درگیر بحران اعتماد می‌شود. قالیباف شاید در ظاهر همچنان از «وفاق» سخن بگوید، اما واقعیت این است که مجلس امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازگشت به منطق گفت‌وگو و عقلانیت است. اگر رئیس مجلس نتواند فاصله خود را از جریان‌های تندرو حفظ کند، هم اعتبار نهاد قانون‌گذاری آسیب می‌بیند و هم فرصت‌های تعامل ملی از دست می‌رود. تجربه ماه‌های گذشته نشان داده است که افراطیون، نه دولت را تقویت می‌کنند و نه مجلس را. آنان، فقط میدان سیاست را به صحنه مناظره دائمی بدل می‌سازند؛ مناظره‌ای که محصول ناهنجاری این چیزی نیست جز تضعیف سرمایه اجتماعی، بی‌اعتمادی عمومی و شکاف‌های تازه میان نیروهای رسمی کشور. قالیباف در تلاش است با حفظ چهره‌ای عقلانی و ملی، مجلس را از ورطه رادیکالیسم نجات دهد؛ اما تا زمانی که تندروها بازی جناحی خود را بر صحنه حاکم کرده‌اند و «وفاق» را به ابزار تسویه‌حساب سیاسی فروگذاشته‌اند، هر حرکت او در نهایت به سوی همان قطب‌بندی بازی‌کرده که خود از آن پرهیز می‌دهد. دراین‌میان زیان نهایی نه متوجه دولت و نه یک جناح خاص، بلکه متوجه نهاد سیاست و اعتماد مردم به آن است؛ همان سرمایه‌ای که هر روز اندکی از آن فرو می‌ریزد.

نمایش جناحی یاددغده ملی؟

محاکمه دولتمردان سابق است. تمرکز بر چنین پرونده‌هایی، نه‌تنها راهگشا نیست، بلکه نشان‌دهنده بی‌توجهی آشکار به مطالبات واقعی جامعه است.

سیاست‌ورزی در چنین فضایی، شبیه رانندگی در مه غلیظ هیجان و انتقام است؛ مسیری که از مسیر درست دور می‌شود و پاسخ‌گویی به ناآرامی‌های فعلی را از دستور کار خارج می‌کند. اگر کسی باید پاسخ‌گو باشد، بهتر است ابتدا کسانی بررسی شوند که در سال‌های اخیر به نام تحریم، از شرایط سوءاستفاده کرده‌اند، جیب خود را پر کرده و با تصمیمات نادرست، کشور را به بن‌بست اقتصادی کشانده‌اند. این افراد اثر واقعی و ملموسی بر زندگی مردم داشته‌اند، نه کسانی که دیگر در قدرت نیستند. سیاست‌ورزی‌های سیاسی‌ای که محلی برای تسویه‌حساب‌های جناحی یا نمایش‌های پربهاو. وقتی مجلس گرفتار این نمایش‌ها می‌شود، نه‌تنها جایگاه خود را زیر سؤال می‌برد، بلکه اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی را نیز تحلیل می‌برد. هر بار که صحن مجلس تبدیل به صحنه تسویه‌حساب سیاسی می‌شود، شکاف میان مردم و نهادهای حکومتی عمیق‌تر می‌شود و هزینه آن را نه سیاست‌مداران، بلکه مردم می‌پردازند. پیامدهای این شکاف بر زندگی اقتصادی و اجتماعی بلندمدت است و ترمیم آن بسیار دشوارتر از محاکمه هر دولتمردی. رفتار جبهه پایداری به‌وضوح راهبرددشان را نشان می‌دهد؛ ایجاد تنش‌های دائمی، منحرف‌کردن افکار عمومی و تمرکز بر محاکمه‌های جناحی، این شیوه نه‌تنها کمکی به مردم نمی‌کند، بلکه اعتماد اجتماعی و سرمایه ملی را تهدید می‌کند. مسیر درست برای مجلس، فاصله‌گرفتن از سیاست‌های پربهاو و تفرقه‌انگیز و بازگشت به وظیفه اصلی خود یعنی قانون‌گذاری واقعی و مؤثر برای بهبود زندگی مردم و ایجاد ثبات اجتماعی و اقتصادی است. ادامه‌دادن راهبرد پرتنش جبهه پایداری فقط باعث فرسایش جامعه، افزایش ناآرامی‌ها و کاهش اعتماد عمومی خواهد شد و هیچ دستاورد ملموسی برای مردم ندارد.

گزارش

وزارت خارجه از حضور زنان بزرگان در عرصه‌های بین‌المللی حمایت می‌کند

دیپلماسی در خدمت زنان کارآفرین

دستیار وزیر و مدیر کل آمریکای وزارت امور خارجه گفت: وزارت امور خارجه آماده است از همه بانوان، به‌ویژه زنان بزرگان و کارآفرین، حمایت کند و تسهیلات لازم را در مسیر حضور فعال‌تر آنان فراهم آورد. حمایت از زنان در عرصه‌های مختلف یکی از اولویت‌های اصلی وزیر-محترم امور خارجه است و ما با افتخار این مسیر را دنبال خواهیم کرد. زهرا ارشادی، در همایش ملی «نقش جهان، نقش زنان» که در اتاق بازرگانی اصفهان برگزار شد، با بیان اینکه «حضور در شهر تاریخی و فرهنگی اصفهان، مایه افتخار است»، اظهار کرد: اصفهان در طول تاریخ نماد دانش، هنر و خلاقیت ایرانی بوده و زنان این شهر همواره در حفظ و گسترش این میراث نقش بسزایی داشته‌اند». او با اشاره به پیشرفت‌های چشمگیر زنان ایرانی در دهه‌های اخیر افزود: زنان کشورمان با خلاقیت و توانمندی در عرصه‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی جایگاه ارزشمندی پیدا کرده‌اند. افزایش سهم بانوان در آموزش عالی، فعالیت در شرکت‌های دانش‌بنیان، نقش‌آفرینی در بخش خصوصی و حضور روزافزون در عرصه کارآفرینی از جلوه‌های این پیشرفت است. مدیر کل آمریکای وزارت امور خارجه، حضور فعال بانوان در حوزه تجارت خارجی را عامل مؤثر در توسعه کشور دانست و بیان کرد: نقش زنان در صادرات و بازرگانی نه‌تنها به رشد اقتصادی کمک می‌کند، بلکه در گسترش روابط سیاسی و تعاملات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران نیز مؤثر است. این ظرفیت ارزشمند، در صورت هدایت نظاممند در چارچوب سیاست‌های کلان اقتصادی و دیپلماسی کشور، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه روابط اقتصادی ایران با سایر کشورها ایفا کند. ارشادی با تأکید بر اینکه تحریم‌ها هرگز نتوانستند اراده زنان ایرانی را متوقف کند، اظهار کرد: در این چند روز شاهد بودم که بانوان کارآفرین با پشتکار و تلاش خود، نشان داده‌اند هیچ مانعی حتی تحریم‌های شورای امنیت با آمریکانمی‌تواند جلوی حرکت آنان را بگیرد. این روحیه ستودنی و افتخارآفرین است، او به‌عنوان رهبر عوامکرد زنان ایرانی در حوزه‌های مختلف ادامه داد: در سال‌های اخیر، زنان بزرگان و کارآفرین کشور در زمینه‌های گردشگری، صنایع دستی، تولیدات فرهنگی و محصولات دانش‌بنیان، دستاوردهای بسیار ارزشمندی داشته‌اند. توسعه روابط اقتصادی کشور نیازمند حضور هدفمند بانوان متخصص و کارآفرین است و باید حضور آنان در هیئت‌های تجاری، نشست‌های تخصصی و مجامع بین‌المللی تقویت شود. زهرا خدادادی، نماینده مجلس نیز دیروز در همایش ملی «نقش جهان، نقش زنان» که در اتاق بازرگانی اصفهان برگزار شد، با تأکید بر اهمیت نقش بانوان در تاب‌آوری اقتصادی کشور اظهار کرد: حضور در جمع بانوان فرهیخته و کارآفرین مایه افتخار است و از ظرفیت عظیمی که این استان اصفهان شاهد هستیم، احساس غرور می‌کنیم. او افزود: وقتی از قلب‌های تاب‌آور و دستان توانمند سخن می‌گوییم، منظور قشری است که نه‌تنها نمی‌ازد جامعه را تشکیل می‌دهد، بلکه محور اصلی ثبات، پویایی و بقای ملت ایران است. تاب‌آوری اقتصادی فقط به معنای تحمل دشواری‌ها نیست، بلکه به معنای توانایی خلق فرصت از دل چالش‌هاست و هوشمندانه از فضای مجازی، جریان‌سازی از درآمدهایی ایجاد کردند و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی، از صنایع دستی تا محصولات کشاورزی، چرخه‌های اقتصادی محلی را به حرکت درآوردند. خدادادی ادامه داد: زنان ایرانی در مدیریت خانه، کسب‌وکار، بهینه‌سازی مصرف و کاهش ضایعات، الگوهای بی‌بدیلی هستند که فرهنگ بهره‌وری و مسئولیت‌پذیری را به بدنه اقتصاد تزریق کرده‌اند. بانوان کارآفرین، اقتصاد را انسان‌محور می‌کنند و در کنار دغدغه‌های اقتصادی، به مسائل اجتماعی، اخلاقی و زیست‌محیطی نیز توجه دارند.